



# فصلنامه حقوقی میزان

سال اول، شماره اول  
زمستان ۱۳۹۸



تفہیم اتهام  
جدول حقوقی

دادگاہ عالی انتظامی قضات

دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم  
(اطفال و نوجوانان)

طلاق در قوانین جاریہ ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان: میزان

زمینه انتشار: فقهی، اصولی، حقوقی

ترتیب انتشار: فصلنامه

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی

مدیر مسئول: دکتر سیف‌اله مدبر

سردبیر: مینا بابائی

ناظر علمی: دکتر سیف‌اله مدبر

مشاور ژورنالیستی سردبیر: رضا آزر

تاریخ و شماره مجوز: ۱۳۹۷/۰۸/۱۴ | الف / ۳۱۴۸

تاریخ و شماره آخرین تغییرات: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰ | ف / ۳۴۶۴

تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۸

هیئت تحریریه: امیر حسین نوراللهی، مصدقه فرجی‌نیر

همکاران این شماره: مهرزاد عباس‌نژاد، اکبر اصلانی، امیر رضا شجاعی

طراح جلد و صفحه آرایی: رضا رسول‌زاده

ارتباط با ما:

تلگرام: @SSL\_Uma

آدرس: اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر انجمن‌های

علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

## روز وکیل مدافع، روز مدافعین حق و عدالت گرامی باد

### فهرست

(میزان در برابر رد یا تایید مطالب هیچ گونه مسئولیتی ندارد و مسئولیت آن بر عهده نویسنده می‌باشد)

بخش دوم: یادداشت‌های دانشجویی

بخش اول: علمی تخصصی

۲۹ ..... تفهیم اتهام

دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم

۳۲ ..... « جدول حقوقی »

۵ ..... (اطفال و نوجوانان)

۳۳ ..... دادگاه عالی انتظامی قضات

۱۹ ..... تلاق در قوانین جاریه ایران

# سخن سردبیر:

جزیاد دوست هر چه کنی عمر ضایع ست

جز سر عشق هر چه بگویی بطالت ست

ما را دگر معامله به هیچ کس نماند

بیعی که بی حضور تو کردم اقالت ست

سعدی بشوی لوح دل از نقش غیر او

علمی که ره به حق ننماید جهالت ست

(سعدی)

همیشه شروع سخت است، لیکن اگر همیشه کارهایی را که بلد هستیم انجام دهیم هیچ وقت در توانایی‌هایمان گسترش نخواهیم داشت و پیشرفت روز افزون دانش حقوقی و ضرورت ارائه نتایج پژوهش‌ها و تحقیقات علمی برای استفاده علاقه‌مندان امری اجتناب ناپذیر است.

این اولین شماره از فصلنامه میزان است که در آن سعی شده با نهایت دقت و گزینش ویژه مجموعه‌ای فراهم آید تا بتواند خوانندگان گرامی را با به روزترین مطالب علم حقوق آشنا سازد و امیدواریم مورد پسند دوستان قرار گیرد.

فرصت را غنیمت شمرده و از کلیه همکاران محترم که اینجانب را در نشر اندیشه‌های حقوقی یاری نموده و تلاش آنها در امور داوری، اجرایی، ویرایش و چاپ، انتشار این شماره را میسر ساخته است تشکر و قدردانی می‌نمایم. به امید نظرات و انتقادات دلسوزانه و سازنده کلیه علاقه‌مندان دانش حقوق و در انتظار مقالات بیشتر صاحبان قلم.

مینا بابائی - میزان

بخش اول

## علمی - تخصصی

◆ دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم

(اطفال و نوجوانان)

اکبر اصلانی - امیر حسین نوراللهی

۱- دانشجوی ارشد حقوق جزا، دانشگاه علامه طباطبائی تهران

۲- دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه محقق اردبیلی

◆ طلاق در قوانین جاریه ایران

مصدقه فرجی نبیر

دانشجوی رشته حقوق، دانشگاه محقق اردبیلی

# دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم (اطفال و نوجوانان)

اکبر اصلانی - امیرحسین نوراللهی

۱- دانشجوی ارشد حقوق جزا، دانشگاه علامه طباطبائی تهران  
۲- دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه محقق اردبیلی



## چکیده

تحقیق به این موضوع که در آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم به طور کلی و ضرر و زیان ناشی از جرم اطفال و نوجوانان چه رویه مشخصی در پیش گرفته شده است می پردازیم. سعی بر آن است با استفاده از ابزار مطالعه کتابخانه‌ای، ضمن بررسی و تبیین مفهوم و ماهیت ضرر و زیان ناشی از جرم به بررسی شرایط و نحوه اقامه دعوی خصوصی ناشی از جرم در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ و رویه قضایی موجود پردازیم. بر این اساس اگر شاکی خصوصی نتوانست دادخواست ضرر و زیان خود را به موقع به دادگاه رسیدگی کننده به پرونده کیفری تقدیم کند این حق شاکی است تا در کنار دعوی کیفری

در نظام قضایی ایران اصل بر این است که مرجع حقوقی به دعاوی مدنی و مرجع کیفری به دعاوی کیفری رسیدگی می نماید. اما گاهی قانونگذار به جهت این که دادگاه کیفری در جریان کامل پرونده کیفری و خسارت وارده قرار دارد و همچنین به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی و صرف وقت و تحمیل هزینه های اضافی بر متضرر از جرم، رسیدگی دادگاه کیفری به دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم را با رعایت شرایطی تجویز نموده است. روند و سیر تقنینی طرح دعوی ضرر و زیان در دادگاه های کیفری مراحل مختلفی را طی نموده است که این روند تکاملی گویای توجه و مطالعه جدی در این خصوص می باشد، بر همین مبنا در این

در جریان کامل پرونده کیفری و خسارت وارده قرار دارد و همچنین به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی و صرف وقت و تحمیل هزینه های اضافی بر متضرر از جرم، رسیدگی دادگاه کیفری به دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم را با رعایت شرایطی تجویز نموده است. براین اساس به زیان دیده از جرم اجازه داده شده است در دادگاه رسیدگی کننده به دعوی کیفری مبادرت به طرح دعوی مطالبه ضرر و زیان نماید. در این صورت دادگاه کیفری مکلف است به دعوی حقوقی نیز به عنوان یک دعوی تبعی رسیدگی نماید.

ضرر و زیان ناشی از جرم نیز عبارت است از زمانی که عمل مجرمانه بر دیگری (مجنی علیه، ورته یا کسان او) وارد می گردد متضرر از جرم پس از آنکه در مقام شاکی خصوصی شکایت خود را در مرجع قضایی و دادسرا یا دادگاه طرح کرد حق دارد برای جبران خسارت و صدماتی که مستقیماً به واسطه ارتکاب جرم به او وارد شده از مقام قضایی درخواست جبران خسارت کند. در نظام های قضایی که دادگاه های حقوقی و کیفری در رسیدگی به دعاوی در صلاحیت خود به صورت تخصصی عمل می نمایند اصل بر این است که مرجع حقوقی به دعاوی مدنی و مرجع کیفری به دعاوی کیفری رسیدگی می نماید اما گاهی مرجع کیفری به طور استثنایی امکان رسیدگی به دعاوی حقوقی را پیدا می کند. در حقوق ایران نیز با توجه به این که دادگاههای حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاههای جزایی فقط به امور کیفری رسیدگی می نمایند از اصل تخصصی بودن رسیدگی به دعاوی پیروی شده است اما در برخی موارد قانونگذار به جهت این که دادگاه کیفری در جریان کامل پرونده کیفری و خسارت وارده قرار دارد و همچنین به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی رسیدگی دادگاه کیفری به دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم را با رعایت شرایطی تجویز نموده است. بر همین مبنا در خصوص رسیدگی

دعوی خصوصی اش را طرح کند و از مزایای دعاوی کیفری بهره مند شود.

**واژگان کلیدی:** ضرر و زیان، ضرر و زیان ناشی از جرم اطفال و نوجوانان، دعوی خصوصی، جبران خسارت

## مقدمه

لازمه زندگی اجتماعی آن است که هیچ کس به دیگری زبانی وارد نسازد و اگر موجب ورود ضرر به دیگری شود آن را جبران نماید، جرم، همان گونه که از عنوان آن پیداست، عملی است که محل به نظم و امنیت همگانی است، جرم موجب دو دعوی می شود. یکی دعوی عمومی از نظر اخلاقی که در نظم عمومی ایجاد می کنند و دعوی خصوصی از جهت ضرر و زبانی که به افراد خصوصی وارد می کند. ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بزه دیده را شخصی دانسته است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را در خواست کند، شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند مدعی خصوصی دانسته است.

مرجع حقوقی به دعاوی مدنی و مرجع کیفری به دعاوی کیفری رسیدگی می نماید. با این حال در قوانین بعضی کشورها به زیان دیده از جرم اجازه داده شده است در دادگاه رسیدگی کننده به دعوی کیفری مبادرت به طرح دعوی مطالبه ضرر و زیان نماید در این صورت دادگاه کیفری مکلف است به دعاوی حقوقی نیز رسیدگی نماید.

در حقوق ایران نیز علی رغم این که که دادگاه های حقوقی و کیفری در رسیدگی به دعاوی در صلاحیت خود به صورت تخصصی عمل می نمایند و از اصل تخصصی بودن رسیدگی به دعاوی پیروی شده است در برخی موارد قانونگذار به جهت این که دادگاه کیفری

علاوه بر آثار مربوط به خود موجب ایراد خسارت به افراد جامعه می‌گردد. ابتدا به بحث و بررسی پیرامون ماهیت و موضوع خسارات ناشی از جرم و سپس به تقسیم و تحلیل انواع خسارات به معنی خسارات مادی و معنوی و جسمانی با تکیه بر مواد قانونی و منابع فقهی حقوقی، پرداخته شده است - پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران سجاد قوامی (۱۳۹۳) با عنوان « ضرر و زیان ناشی از جرم با نگاهی به لایحه جدید آیین دادرسی کیفری؛ نگارنده در این پایان نامه با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای، به تبیین و تحلیل مفهوم ضرر و زیان ناشی از جرم و همچنین تبیین و تحلیل اختلاف نظر های موجود در بین فقها و علمای حقوق اختلاف پرداخته است. نگارنده در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که نهادی با عنوان خسارت مازاد بر دیه با توجه به وجود هزینه های فراوان ناشی از درمان، در زمان حاضر نسبت به زمان تشریح دیه که به عنوان ما به ازای ضررهای جسمانی مقرر گردیده بود، مورد توجه فقهای معاصر و علمای حقوق قرار گرفته است. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید قانون گذار علاوه بر ضرر و زیان مادی به طور قطع بر امکان مطالبه خسارات ممنوی، ممکن التحصیل و مازاد بر دید نظر داده است با این حال تاکنون به بحث درباره دعوی خونی ناشی از جرم در قانون آیین دادرسی کیفری و بالاخص در رویه قضایی پرداخته نشده است بر همین مبنا موضوع این تحقیق از هر لحاظ نو و جدید می باشد امید است که نگارش این تحقیق منبعی جامع و کاربردی باشد.

## گفتار اول: ضرر و زیان چیست؟

### بند اول: مفهوم ضرر و زیان

در قانون آیین دادرسی کیفری، اصطلاح ضرر و زیان در معنای لغوی آن استعمال شده، ولی در قانون آیین دادرسی مدنی ضرر به معنی از بین رفتن مال یا به

به دعاوی مربوط به ضرر و زیان ناشی از جرم در ضمن رسیدگی به امور کیفری به علت ابهام و اجمال و مواد اصلاح شده قانون آیین دادرسی کیفری در این تحقیق سعی بر آن است ضمن بررسی و تبیین مفهوم و ماهیت ضرر و زیان ناشی از جرم به بررسی شرایط و نحوه اقامه دعوی خصوصی ناشی از جرم در قانون آیین دادرسی کیفری و رویه قضایی بپردازیم.

## پیشینه تحقیق

در خصوص مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم پروژه های متعدد و قابل قبولی همچون؛ - پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود به من مربیان، (۱۳۹۲) با عنوان «ضرر و زیان ناشی از جرم در حقوق ایران و انگلیس در این پایان نامه با استفاده از روش مطالعه کتابخانه ای، ضمن تحلیل ضرر و زیان ناشی از جرم در حقوق ایران به مقایسه آن با نظام حقوقی کامن\_لا و نظام حقوقی انگلستان پرداخته است. طبق تحقیقات انجام یافته در این پایان نامه، در حقوق ایران در مورد ضرر های مادی اختلاف وجود ندارد و با وضوح علاوه بر ضررهای مادی زیانهای معنوی و منافع ممکن الحصول را قابل مطالبه دانسته است. در نظام حقوقی کامن\_لا در میزان و نوع خسارت، نقش عرف برجسته است و البته قواعد لحاظ و همچنین منطق در عملکرد و پیش بینی ضرر و نیز لزوم مستقیم بودن خسارت حتی قوه قاهره مد نظر قرار می گیرد سلب آسایش و ایراد جراحت، خسارت، توهین، قصور و عدم اعمال مراقبت مالی موجب تحقق مسئولیت ملی است و حتی به مسئولیت کارفرما و با مصرف حیوان اشاره شده است - پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران (عمران علی محمدی ، ۱۳۸۲) با عنوان « مطالبه خسارات ناشی از جرم؛ در این پایان نامه با استفاده از روش مطالعه کتابخانه ای و با طرح این مطلب که فعل یا ترک فعل مجرمانه



## بند دوم: اوصاف ضرر قابل مطالبه در حقوق موضوعه ایران:

۱- قطعی بودن خسارت ۲- بی واسطه بودن یا مستقیم بودن خسارت ۳- وجود رابطه سببیت بین خودداری از انجام تعهد و یا تاخیر در آن با ورود خسارت

**قطعی بودن:** برای اینکه بتوان در مقابل ضرری که به فرد وارد شده است، جبران آن را مطالبه نموده این ضرر باید قطعی باشد. به این صورت که ضرر وارد شده، نه احتمالی و نه آتی بلکه قطعی باشد. لذا فرد نمی تواند ضرری را که احتمال می دهد در آینده به وی وارد خواهد آمد را مطالبه کند. هر چند این احتمال بر اساس قرائن و شواهد قوی باشد. مثل اینکه فردی که همسایه اش در حیاط خود آتشی روشن کرده است نمی تواند با این بهانه که شعله این آتش زیاد است و ممکن است به انبار کاه وی آسیب برساند. از وی مطالبه خسارت بکنند، گرچه طبق مواد قانون آیین دادرسی مدنی، می تواند با دادن درخواست تأمین خواسته تقاضای جلوگیری وی از آتش افروزی در حیاط خود را بنماید.

**مستقیم بودن:** مقصود از بی واسطه بودن ضرر این است که بین فعل زیانبار و ضرر حاصله دلیل دیگری وجود نداشته باشد. به نحوی که بتوان گفت عرفاً ضرر از همان فعل ناشی شده است، این شرط بیشتر مربوط به احراز رابطه علیت فعل شخص و ایجاد ضرر است. البته منظور از مستقیم این نیست که هیچ کدام از عوامل دیگر در ورود ضرر دخیل نبوده اند، بلکه منظور این است که گاهی علت های موجود در ورود زیان آنچنان در هم گره خورده اند که به سختی می توان زیان را ناشی از عامل منحصری دانست. بنابراین کافی است که بتوان بین فعل انجام شده و زیان وارده رابطه سببی عرفی برقرار نمود. هرچند عوامل دیگری نیز در بروز زیان وجود داشته باشد. قانون مدنی در تصدیق

واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می شود، آمده است در قانون مجازات عمومی سایت و همینطور در قانون مجازات اسلامی، لفظ ضرر به ندرت به کار گرفته شده و عالياً قانونگذار به جای ضرر و زیان لفظ خسارت را بکار برده است.

## گفتار دوم: مفهوم ضرر و زیان ناشی از جرم

ضرر و زیان ناشی از جرم را نباید با استرداد اشیاء و اموال حاصل از جرم که دارای یک موضوع مشترک است؛ یعنی جبران زبانی که بر اثر جرم به مجنی علیه جرم وارد شده یکی دانست زیرا این دو با وجود اشتراک موضوع از جهت خصوصیات دیگر با هم اختلاف دارند. در واقع استرداد اشیاء و اموال حاصل از جرم به مجنی علیه، ترمیم طبیعی و برگشت عادی و مستقیم حق مورد تجاوز است در حالیکه ضرر و زیان ترمیم غیر مستقیم و از طریق معادل است لذا هر وقت که استرداد امکان پذیر باشد، قاضی بدون لزوم درخواست مدعی خصوصی، رأساً حکم به رد اشیاء مزبور می نماید. بر عکس در ضرر و زیان خسارت هنگامی پرداخت می شود که متضرر از جرم با رعایت تشریفات دادرسی و در موعد مقرر دعوی خود را طرح و جبران زیان وارده را بخواهد از طرفی استرداد بر اساس حقی است که قبل از وقوع جرم وجود داشته و ناشی از حق مالکیت مجنی علیه است. بنابراین جرم علت و سبب استرداد نیست بالعکس در مورد ضرر و زیان، جرم علت و سبب جبران و مطالبه خسارت است و دعوی مطالبه زیان منشا حقوقی دارد و این را منحصراً از جرم اخذ می کند در حقیقت ضرر و زیان ناشی از جرم که در فقه از آن به ضمان قهری تعبیر می شود هنگامی بوجود می آید که تخلف از الزام قانونی صورت گیرد ضرر و زبانی به دیگری وارد آید.

می‌شود. به عنوان مثال اگر کسی منزل دیگری را به صورت عدوانی تصرف نماید؛ این عمل غیر قانونی در واقع جلوگیری از تحصیل فایده یا نفع مورد انتظار نیست بلکه از بین بردن (تفویت) منافی است که بر آن عنوان مال مترتب می‌گردد، اما چنانچه مال باخته ادعا نماید که اگر سرقت صورت می‌گرفت او با پول های خود به خرید اتومبیل، سکه و غیره مبادرت می نمود و با توجه به نواسانات بازار، سرمایه خود را به چند برابر افزایش می داد در اینجا صحبت از منافع محتملی است که در صورت عدم وقوع جرم امکان داشت به دست آید، لیکن در زمان فعل زیان بار وجود خارجی ندارد.

#### پ) ضرر در صفت اموال:

ضرر در صفت اموال ضرری است که فقط در صفت و ویژگیهای عرض اموال ایجاد می‌گردد مانند اینکه در منطقه مسکونی کارخانه یا فرودگاهی تاسیس شود. در این صورت هر چند در اعیان اموال ممکن است ضرر حاصل نشود ولی در قیمت آنها و خصوصیات استفاده از کاهش ارزش حاصل می‌شود.

#### د) ضرر در حقوق متعلق به اموال:

ضرر در حقوق متعلق به اموال که ممکن است بصورت از بین بردن امکان استفاده افراد از حقوق مشروع خود یا سلب و از بین بردن حقوق مزبور و یا از طریق اختلال به آن حقوق حاصل شود، مانند ارائه و عرضه کالای تقلبی با استفاده از علامت تجاری متعلق به غیر، که این نوع نیز ضرر مادی مالی و قابل تقویم بر پول و با پرداخت پول قابل جبران است.

#### ۲. ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم

عنوان خسارت معنوی در لغت در مقابل خسارت مالی قرار می‌گیرد. ضرر معنوی ممکن است به صورت های مختلف ظاهر شود. مثلا به صورت لطمه به حقوق

این استدلال بیان می‌نماید که در صورت اجتماع مباشر و مسبب همیشه مباشر، نزدیک ترین علت است. مگر جایی که سبب قوی تر از مباشر باشد.

## لزوم وجود رابطه سببیت بین ضرر و سبب آن

ضرر باید مستقیم ناشی از فعل زیانبار باشد. به طوری که در صورت انتفاء عمل زیانبار، ضرر نیز منتفی محسوب شود، در نتیجه اگر در وقوع ضرر، حادثه واحد دخالت نماید، همان حادثه سبب ورود ضرر محسوب می‌شود، ولی در مواردی که ضرر واحد ناشی از دخالت و تأثیر یکی از چند حادثه است ولی آن معلوم و معین نیست، و اجمالا معلوم است و همچنین در موردی که چندین حادثه در ورود و ایجاد ضرر واحد دخالت کرده اند، احراز رابطه سببیت در این دو مورد تا حدودی زیاد پیچیده است.

### بند سوم: انواع ضرر و زیان ناشی از جرم

#### ۱. ضرر و زیان مادی ناشی از جرم

ضرر مالی به صورتهای مختلف در اعیان، منافع، صفت اموال و حقوق افراد حاصل می‌گردد و قابل تقویم به پول و با پرداخت عوض مثل و قیمت قابل مطالبه است.

#### الف) ضرر در اعیان اموال

عبارت از ضرری است که از طریق نقص و هراتلاف در عین مال وارد می‌شود مانند تخریب، حریق و امثال آن مانند سوختن خانه و کشتن حیوان.

#### ب) ضرر در منافع اموال

از طریق نقص یا تلف یا سلب منافع اموال و حقوق وارد می‌شود تفویت منفعت را نباید با عدم النفع اشتباه گرفت. منتفعین همانند خود عین مال محسوب

تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین خسارت مربوط به منافع ممکن الحصول و خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود. آنگاه که به نظر می آید عدم نفع قابل شکایت نیست.

## گفتار دوم: قوانین در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم اطفال و نوجوانان و چگونگی دادخواست از آن

طبق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ و ماده ۱۴ آن شاکمی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

تبصره ۱- زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

تبصره ۲- منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی نمی شود.

از نقاط قوت ماده ۱۴ قانون این قانون می توان به اصل جبران کامل خسارت و جبران پذیری خسارت محتوی مورد اشاره این ماده یاد کرد با این توضیح که؛ اصل جبران کامل خسارت از قواعد بنیادین حقوق مسئولیت مدنی به حساب می آید. به موجب این اصل باید تا جایی که دقیقاً امکان پذیر است تعادل از بین رفته

مربوط به شخصیت (مانند حق بر شرف و حیثیت در مورد تهمت و افترا) یا به صورت درد جسمی که زیان دیده از حادثه ای دچار آن می شود و یا به صورت اختلال روانی که به زیان دیده از حادثه ای به علت این که چهره اش در نتیجه ی حادثه ای زشت گردیده به دست می دهد یا آن چه ضرر لذت بردن نامیده می شود مثلاً محرومیت یک شخص مفلوج از لذت های عادی زندگی، ضرر معنوی ناشی از جرم، عبارت از لطمه ای است که به یک حق غیرمالی اشخاص در اثر وقوع جرم وارد می شود. مانند از بین رفتن حیثیت و اعتبار یا صدمات روحی وارده به شخص.

### ۳. منافع ممکن الحصول یا عدم نفع

ضرر ممکن است مادی باشد یا معنوی، ضرر مادی، خود به دو نوع تقسیم می شود: نوع اول از دست رفتن مال موجود یا خسارت مثبت و نوع دوم به تفویض منافع یا خسارت منفی که همان عدم النفع است. در خصوص منافع ممکن الحصول یا عدم نفع ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره های آن اظهار نظر کرده است در کنار آن اداره حقوقی قوه قضاییه در سال ۸۳ نظریه ای بر طبق متن زیر ارائه کرده است: (منافع ممکن الحصول منافی هستند که مقتضی وجود آن ها حاصل شده باشد، مانند درختانی که شکوفه دارند و این شکوفه ها مقتضی میوه دادن هستند و میوه منفعت درخت به شمار می آید. اما منافی هستند که به احتمال در آینده ایجاد می شوند، مثل فوت شدن منفعتی که از انجام به موقع یک تعهد می توانست حاصل آید، مثلاً خریدار آرد نتوانسته آن را به موقع تحویل بگیرد و شیرینی پخته و بفروشد حال شیرینی با افت قیمت مواجه شده و از این جهت سود کمتری عاید خریدار می شود و قسمتی از سود احتمالی از دست رفته است که به آن عدم نفع می گویند.) تبصره دو ماده ۱۴ مذکور می فرماید که منافع ممکن الحصول

به دادگاه کیفری مراجعه کند اما چنانچه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جتهی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می تواند با استرداد دعوی، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کنند چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد. نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.

ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ بیان می دارد: شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیانهای مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کننده ماده ۱۵ نیز بیان می دارد: پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفته زیان دیده از جرم می تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

همچنین ماده ۱۷ این قانون در رابطه با تکلیف دادگاه بیان می دارد: دادگاه مکلف است ضمن صدور رای کیفری در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی صادر نماید، مگر آنکه رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت، دادگاه رای کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر و زیان رسیدگی می نماید.

## بند اول: شرایط طرح دعوی خصوصی در دادگاه کیفری

همانگونه که قبلاً نیز بیان نمودیم برای اینکه متضرر از جرم بتواند دعوای ضرر و زیان خود را در مقابل دادگاه اقامه کند، باید علاوه بر دارا بودن اهلیت در طرح دعوا نیز ذی نفع باشد. مقصود از اهلیت آن است که متضرر

بوسیله زیان، مجدداً برقرار شود. عبارت ماده ۱۴ قانون به اینکه شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند، در واقع ترجمان دیگری از اصل جبران کامل خسارت است و وقتی در کنار اصل مقرر در ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی که مقرر می دارد: جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود، قرار گیرد. دو مبنای اساسی در حقوق مسئولیت مدنی ایران (جبران کامل و انتساب خسارت) را تشکیل می دهند و از این رو، رویکرد قانونگذار در تأمین اصول مذکور قابل تمجید است. قانونگذار در ماده ۱۰۷ این قانون، تصریح کرده است که شاکی می تواند تأمین ضرر و زیان خود را از باز پرس بخواهد و هر گاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، باز پرس قرار تأمین خواسته صادر می کند. همچنین طبق تبصره این ماده، چنانچه با صدور قرار تأمین خواسته، اموال متهم توقیف شود، باز پرس مکلف است هنگام صدور قرار تأمین کیفری این موضوع را مدنظر قرار دهد.

همچنین بر اساس مواد ۱۵ و ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می تواند تصویر یا رونوشت تصدیق شده تمام ادله و مدارک خود را برای پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است. هرگاه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آن که مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می تواند با استرداد دعوی،

با توجه به استثنایی بودن رسیدگی مرجع کیفری به دعوی حقوقی، دادگاه کیفری صلاحیت رسیدگی به هر دعوی حقوقی را ندارد بلکه تنها صلاحیت رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم را با رعایت شرایط خاصی دارد. بنابراین هر نوع حقی که در دادگاه حقوقی قابل مطالبه و دعوی آن قابل طرح باشد در مرجع کیفری قابل طرح و مطالبه نیست بلکه تنها مطالبه خسارات ناشی از ارتکاب جرم در این مرجع قابل طرح است. مثلا اگر تصادف، ناشی از بی احتیاطی و بی مبالاتی منجر به ایراد صدمه بدنی و خسارت به اتموبیل مجنی علیه شده باشد ضرر و زیان ناشی از جرم ایراد صدمه مانند هزینه های درمان از دادگاه کیفری رسیدگی کننده به اصل جرم قابل مطالبه می باشد اما خسارت وارده به اتموبیل با توجه به این که منشا این خسارت مجرمانه نیست و در قوانین کیفری ما تخریب غیرعمدی جرم محسوب نمی شود قابل طرح در مرجع کیفری نیست بلکه دعوی حقوقی است که از دادگاه حقوقی قابل مطالبه است هر چند که در بیشتر نوشته های حقوقی چنین خسارتی ناشی از جرم دانسته شده است و رویه قضایی نیز به آن رسیدگی و مورد حکم قرار می دهد.

علاوه بر این به موجب قسمت آخر ماده ۱۵ ق.ا.د.ک. مصوب سال ۱۳۹۲: \* مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است...

منظور از رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی در مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، تسلیم دادخواست حقوقی و پرداخت هزینه دادرسی مربوط به آن است.

مع الوصف رعایت بعضی از اصول مسلم قضایی و دادرسی را نمی توان نادیده گرفت. دادخواست مطالبه ضرر و زیان مانند هر دادخواست دیگر باید به زبان فارسی روی اوراق چاپی مخصوص نوشته شود و در

از جرم به طور قانونی شایستگی و صلاحیت دارا شدن حق و اعمال آن را داشته باشد. چه بسا اشخاصی دارای اهلیت برای دارا شدن حق باشند ولی به طور قانونی قادر به اعمال آن نباشند مثلا اشخاص دیوانه با کودکان از حیث قانون می توانند مانند سایر اشخاص از حقوق بهره مند شوند ولی برای اعمال حق خود نیاز به سرپرست و قیم دارند بنابراین برای طرح دعوی خصوصی، شخص باید دارای اهلیت باشد و اگر صغیر، سفیه، مجانین یا سایر اشخاصی که در تصرف در اموال خود ممنوع هستند مانند تجار ورشکسته بخواهند دعوای خصوصی ناشی از جرم را اقامه کنند این عمل باید توسط ولی یا قیم یا نماینده قانونی آنها صورت گیرد. متضرر از جرم باید از اقامه دعوا ذی نفع گردد. همچنین ضرر باید مستقیما ناشی از جرم باشد.

برای مراجعه متضرر از جرم به دادگاه کیفری رسیدگی کننده به اصل جرم برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم محدودیت ها و شرایطی در نظر گرفته شده است که عبارتند از :

## بند نخست: منشأ ضرر و زیان ناشی از جرم

شاکمی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند، قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ تصریح کرده است که شاکمی می تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد و هر گاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد. بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می کند. همچنین طبق تبصره این ماده، چنانچه با صدور قرار تأمین خواسته اموال متهم توقیف شود. بازپرس مکلف است هنگام صدور قرار تأمین کیفری این موضوع را مدنظر قرار اساس بدهد و منشأ دعوای خصوصی باید مربوط به جرم باشد.

واجد شرایط دعوی حقوقی است لذا باید در همه جرایم مدعی خصوصی دادخواست تقدیم کنند اما در برخی موارد دادگاه کیفری بدون نیاز به تقدیم دادخواست مکلف شده است که حکم به ضرر و زیان ناشی از جرم بدهد این موارد عبارتند از:

الف) در مواردی که قانونگذار در برخی جرایم دادگاه کیفری رسیدگی کننده به اصل جرم را مکلف نموده که ضمن صدور حکم به محکومیت کیفری، راسا حکم به پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم نیز بدهد مانند ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۴۷

ب) در مواردی که عین ناشی از جرم کشت شده و در اختیار مرجع انتظامی یا قضایی باشد که در این صورت مطابق ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی دادگاه مکلف به صدور حکم به استرداد آن می باشد و در این مورد نیازی به تقدیم دادخواست نمی باشند. در مرحله تحقیقات مقدماتی: مطابق قسمت اول ماده ۱۵ ق.ا.د.ک پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت مدعی با شکی می تواند اصل یا رونوشت تمامی دلایل و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند. بنابر این مدعی خصوصی می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز دادخواست ضرر و زیان خود را به بازپرس یا دادیار تقدیم نماید تا در صورت صدور قرار مجرمیت و کیفر خواست در مرجع کیفری رسیدگی کننده به اصل جرم مورد رسیدگی و صدور حکم قرار گیرد. اما فردی که تقدیم دادخواست در مرحله تحقیقات مقدماتی ممکن است متوجه مدعی خصوصی شود این است که در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب پرونده به دادگاه کیفری ارسال نمی گردد. به همین جهت تقدیم دادخواست ضرر و زیان در این مرحله پیشنهاد نمی گردد.

موارد فوری ممکن است از فاکس و تلگرام نیز استفاده به عمل آید. به هر حال هزینه دادرسی به همان ترتیب که برای محاکم حقوقی مقرر است باید پرداخت شود.

دادخواست در دو نسخه و در صورت تعداد خواننده به عمده آن ها به علاوه یک نسخه تنظیم می یابد. نکاتی را که ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قید آن ها را در دادخواست لازم دانسته است باید در دادخواست های مطالبه ضرر و زیان از دادگاه کیفری نیز قید گردد این نکات عبارت اند از:

۱. نام و نام خانوادگی و نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی الامکان شغل خواهان تبصره - در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود. مشخصات وکیل نیز باید درج گردد. ۲- نام و نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خواننده. ۳. تعیین خواسته و بهای آن مگر این که تعیین بها، ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد.

۲. تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می داند به طوری که مقصود واضح و روشن باشد

۳. آن چه که خواهان از دادگاه درخواست دارد

۴. ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد. از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطمئن و گیرد، ادله مثبت به ترتیب و واضح نوشته می شود و اگر دلیل، گواهی گواه باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند

۵. امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز از امحاء اثر انگشت او

**استثنائات لزوم تقدیم دادخواست:** اصل بر این است که برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم باید با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی دادخواست حقوقی به مرجع کیفری تقدیم نمود. به بیان دیگر علی الأصول چون مطالبه خسارت امری است ماهیت حقوقی و

الف) در مواردی که قانونگذار در برخی جرایم دادگاه کیفری رسیدگی کننده به اصل جرم را مکلف نموده که ضمن صدور حکم به محکومیت کیفری، راسا حکم به پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم نیز بدهد مانند ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۴۷

ب) در مواردی که عین ناشی از جرم کشت شده و در اختیار مرجع انتظامی یا قضایی باشد که در این صورت مطابق ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی دادگاه مکلف به صدور حکم به استرداد آن می باشد و در این مورد نیازی به تقدیم دادخواست نمی باشند. در مرحله تحقیقات مقدماتی: مطابق قسمت اول ماده ۱۵ ق.ا.د.ک پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت مدعی با شاکمی می تواند اصل یا رونوشت تمامی دلایل و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند. بنابر این مدعی خصوصی می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز دادخواست ضرر و زیان خود را به بازپرس یا دادیار تقدیم نماید تا در صورت صدور قرار مجرمیت و کیفر خواست در مرجع کیفری رسیدگی کننده به اصل جرم مورد رسیدگی و صدور حکم قرار گیرد. اما فردی که تقدیم دادخواست در مرحله تحقیقات مقدماتی ممکن است متوجه مدعی خصوصی شود این است که در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب پرونده به دادگاه کیفری ارسال نمی گردد. به همین جهت تقدیم دادخواست ضرر و زیان در این مرحله پیشنهاد نمی گردد.

### نتیجه گیری

در نظام های قضایی که دادگاههای حقوقی و کیفری در رسیدگی به دعاوی در صلاحیت خود به صورت تخصصی عمل می نمایند اصل بر این است که مرجع حقوقی به دعاوی مدنی و مرجع کیفری به دعاوی

به موجب قسمت دوم ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مدعی خصوصی می تواند قبل از اعلام ختم دادرسی نیز دادخواست خود را تسلیم دادگاه نماید. منظور از ختم دادرسی نیز ختم دادرسی بدوی است و مدعی خصوصی نمی تواند در مرحله تجدیدنظر یا حتی واخواهی مبادرت به تسلیم دادخواست ضرر و زیان نماید. عدم امکان طرح دعوی ضرر و زیان در دادگاه تجدید نظر به این دلیل است که دادخواست ضرر و زیان واجد آثار یک دعوی حقوقی می باشد و تا زمانی که به یک دعوی هرچند به تبع امر کیفری در مرحله بدوی رسیدگی نشده باشد قابل رسیدگی در مرحله بالاتر تجدیدنظر نخواهد بود. (ماده ۷ ق ادم) و همچنین ادعای جدید در مرحله تجدید نظر مسموع نخواهد بود، در خصوص امکان یا عدم امکان رسیدگی به دادخواست ضرر و زیان در مرحله واخواهی اختلاف نظر وجود دارد.

به صراحت ماده ۱۵ از قانون آیین دادرسی کیفری، تقدیم دادخواست ضرر و زیان تا قبل از ختم دادرسی جایز است و اجتهاد در مقابل نص جایز نیست منظور قانونگذار از قید عبارت رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی در ماده فوق، ناظر به زمان تقدیم دادخواست نبوده بلکه پرداخت هزینه دادرسی، رعایت تشریفات و ترتیبات راجع به مندرجات دادخواست و ابلاغ و غیره را ضروری دانسته است لذا مدتی می تواند تا قبل از ختم دادرسی (یعنی بیش از صدور حکم) مدارک و دلایل خود را برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم به دادگاه تسلیم نمایند از یعنی دادخواست بدهد.

واجد شرایط دعوی حقوقی است لذا باید در همه جرایم مدعی خصوصی دادخواست تقدیم کنند اما در برخی موارد دادگاه کیفری بدون نیاز به تقدیم دادخواست مکلف شده است که حکم به ضرر و زیان ناشی از جرم بدهد این موارد عبارتند از:

ضرر و زیان شاکی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر کند و اگر رسیدگی به امر ضرر و زیان محتاج به تحقیقات بیشتری بود حکم جزایی را صادر و سپس به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی کنند.

هدف از رسیدگی به دعوی خصوصی جبران خسارت های مادی یا معنوی ناشی از جرم است که به فرد یا افراد معینی وارد آمده است. هم چنین از جنبه عمومی جرم، مجازات تنها بر فردی که مرتکب جرم شده است و همدرستان او قابلیت اعمال دارد و ورثه او در این زمینه مسئولیتی ندارند. با توجه به این که دعوای خصوصی ناشی از جرم مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است و آیین دادرسی مدنی حق اقامه بسیاری از دعوای خصوصی را قابل انتقال به وارث یا قائم مقام قانونی مدعی می داند، به همین دلیل مطالبه خسارت ناشی از جرم نیز قابل انتقال به وارث یا قائم مقام قانونی زیان دیده از جرم است در رابطه با سیر تقنینی تصویب مقررات راجع به نحوی ضرر و زیان ناشی از جرم نیز باید گفت ، اولین بار امکان رسیدگی به دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه کیفری به موجب ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ تجویز گردید. از آنجایی که بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ این انتقاد وارد بود که در مواردی که دادگاه به مناسبت رسیدگی به جنبه کیفری کاملاً در جریان خسارت وارده به متضرر از جرم قرار گرفته و پرونده نیز آماده صدور حکم بود احاله چنین پرونده ای به دادگاه حقوقی در صورت صدور حکم به برائت متهم جز اطاله دادرسی اثر دیگری در بر نداشت و با هدف اعطای صلاحیت به دادگاه کیفری برای رسیدگی به دعوی خصوصی نیز مغایر بود قانونگذار را بر آن داشت که گامی در جهت اصلاح آن بر دارد. به همین جهت به موجب ماده ۴ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ مقرر گردید که « هرگاه دعوی

کیفری رسیدگی می نماید. اما گاهی مرجع کیفری به طور استثنایی به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی و صرف وقت و تحمیل هزینه های اضافی بر متضرر از جرم، رسیدگی دادگاه کیفری به دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم را با رعایت شرایطی تجویز نموده است و امکان رسیدگی به دعوی حقوقی را پیدا می کند. در حقوق ایران نیز دادگاههای حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاههای جزایی فقط به امور کیفری رسیدگی می نمایند اما در برخی موارد قانونگذار به جهت این که دادگاه کیفری در جریان کامل پرونده کیفری و خسارت وارده قرار دارد و همچنین به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی و صرف وقت و تحمیل هزینه های اضافی بر متضرر از جرم به رسیدگی دادگاه کیفری به دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم را با رعایت شرایطی تجویز نموده است. بر این اساس اگر شاکی خصوصی نتوانست دادخواست ضرر و زیان خود را به موقع به دادگاه رسیدگی کننده به پرونده کیفری تقدیم کند این حق شاکی است تا در کنار دعوی کیفری دعوی خصوصی اش را مطرح کند و از مزایای دعوای کیفری بهره مند شوند. بدین صورت که هرگاه دعوای ضرر و زیان ابتداء در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می تواند با استرداد پرونده به دادگاه کیفری مراجعه کند. اما چنانچه دعوای ضرر و زیان ابتداء در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تاخیر مواجه شود، مدعی خصوصی میتواند با استرداد دعوی، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند. بنابراین اگر دادگاه رسیدگی کننده به پرونده کیفری با دادخواست ضرر و زیان شاکی خصوصی مواجه شد مکلف است با در نظر گرفتن شرایط ذکر شده متهم را در ارتکاب جرم گناهکار تشخیص داده ضمن صدور حکم جزایی، حکم



## فهرست منابع کتاب‌های فارسی

- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، نشر اسلامی، چاپ هفتم تهران: ۱۳۴۸
- آخوندی، محمود. آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، چاپ هفتم، تهران: ۱۳۸۰. ۳. آشوری، محمود، آیین دادرسی کیفری انتشارات سمت، چاپ اول - ۱۳۷۵
- یندر ریگی، محمد، فرهنگ عربی به فارسی، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ د بهرامی، حمید، سوء استفاده از حق ج دوم تهران موسسه اطلاعات ۱۳۷۰- عمر بهرامی، بهرام: آیین دادرسی ملانی، علمی و کاربردی نگاه بیند، چاپ نهم - تهران، ۱۳۸۵. ۷. پولی که در تالار و دیگران، آیین دادرسی موضوع و نهادهای نادرسی کیفری ترجمه دکتر حسن
- دادیان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ نخست، تهران، ۱۳۷۷، م جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوق، نشر امیر کبیر، چاپ پنجم تهران، ۱۳۷۵:
- تاریخ حقوق، نشر کانون محرقت تهران، انبیا | - دانشنامه حقوقی، امیرکبیر، چاپ سوم، سال ۷۲ ۱۱. ترمینولون حقوقی، تهران، قطارات گنج داند، جلب لوله ۱۳۹۳ ۱۲ - خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش تهران،
- چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳ ۱۳ - شهیدی، مهدی، آثار قراردادهای و تعهدات، انتشارات مجلد، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۹۱ ۱۴ - صالحی راد، محمد، گستره و آثار تعهدات قراردادی، انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجلد.
- چاپ اول، تهران، سال ۱۳۸۰ ۱۵، صدر زاده افشار، سید محسن؛ آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، نشر موسسه انتشارات جهاد

جزایی در دادگاه به صدور حکم برائت قطعی و یا فرار موقوفی تعقیب منتهی شود دادگاه صادر کننده برای در صورت آماده بودن پرونده به دعوی خصوصی رسیدگی و رای می دهد و الا رسیدگی به آن را به دادگاه صلاحیتدار محول می دارد و دادگاه اخیر به دادخواست مدعی خصوصی بدون پرداخت هزینه دادرسی مجدد رسیدگی خواهد کرد. تبصره ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاههای کیفری او ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۲۴۸ ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و همچنین ماده ۱۶ و ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ از جمله قوانین تصویب شده در خصوص این موضوع می باشند. برای اقامه دعوی خصوصی در دادگاه کیفری لازم است که ضرر و زیان ناشی از جرم دارای شرایطی باشد که دادگاه به تبع رسیدگی به جنبه عمومی جرم نسبت به جنبه خصوصی آن نیز حکم مقتضی صادر نمایند. این شرایط عبارتند از:

ضرر و زیان ناشی از جرم باشد: یعنی ضرر و زیانی که مستقیماً مجرم مباشرتاً یا تسبیحاً به شاکی وارد نموده است قابل مطالبه خواهد بود.

محکمه جزایی وقوع جرم را محرز بداند. در مواردی که دادگاه وقوع جرم را محرز نمی داند، ادعای مدعی خصوصی مبتنی بر مطالبه ضرر و زیان ناشی از آن نیز مسموع نخواهد بود، زیرا جرمی واقع نگردیده که تا ضرر و زیان ناشی از آن قابل مطالبه باشد.

ضرر و زیان از نظر شرعی و قانونی قابل مطالبه باشد : منظور این که ضرر و زیانی قابل مطالبه است که مشروعا و قانونا جبران خسارت بر عهده متهم باشد. برای مثال مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرمی که خلاف شرع باشد مانند مطالبه ضرر و زیان ناشی از ربا و یا وجوه باخته شده در قمار و یا وجوه مربوط به خرید و فروش اموال مسروقه، قابل مطالبه نیست.





## طلاق در قوانین جاریه ایران

مصدقه فرجی نیر

دانشجوی رشته حقوق، دانشگاه محقق اردبیلی



### مقدمه

مسیحی ملاحظه می کنیم که چگونه زنان و مردان زیادی هستند که به حکم قانون تحریف یافته مذهب مسیح (ع) طلاق را ممنوع می شمردند و قانوناً همسر یکدیگرند ولی در عمل جدا از یکدیگرند و حتی هرکدام برای خود همسری غیررسمی انتخاب کرده اند بنابراین اصل مسئله طلاق یک ضرورت است اما ضرورتی که باید به حداقل ممکن تقلیل یابد و تا آنجا که راهی برای ادامه زوجیت است کسی سراغ آن نرود.

از حضرت رسول اکرم (ص) آمده است که: تزوج و لا تطلقو فان الطلاق یهتزنمو العرش «ازدواج کنید و طلاق ندهید که طلاق عرش خدا را به لرزه درمی آورد.

طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی و یک مسئله حقوقی و قضایی، مورد بحث بوده و هست. در دین اسلام با اصل طلاق موافقت شده است و آن را به صورت یک «حلال مبغوض» پذیرفته اند و آن را بعضاً یک ضرورت اجتماعی معرفی می کنند. زیرا اعتقاد بر این است که قرارداد زوجیت از جمله قرارداد هایی است که باید قابل جدایی باشد چون گاهی عللی پیش می آید که زندگی مشترک زن و مرد را با هم غیر ممکن یا طاقت فرسا می سازد و مملو از مفاسد می کند و اگر اصرار داشته باشیم که این قرارداد تا ابد بماند سرچشمه ی مشکلات زیادی می گردد.

هم اکنون نتیجه ی ممنوع بودن کامل طلاق را در جوامع

در اجرای این قانون به استناد ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی ایران که بیان می داشت :

« مرد می تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد » دادن طلاق به دست مرد بود و تازمانی حق مطلق او محسوب می شد . مردان می توانستند به راحتی و بدون رعایت تشریفات زن خود را با کوچک ترین شقاق و اختلاف به دفتر طلاق (محضر) ببرد و صیغه طلاق را جاری و آن را ثبت بکند . شاید این اختیار از این جهت به مردان داده شده بود که آنها در ازدواج و نکاح، متحمل زحمت و هزینه و خسارت می شدند برای مثال وقت آنها در انتخاب زوجه و خواستگاری او گرفته می شد، خرج و مخارج آن بر مرد تحمیل می شد، هدایا را او می برد، هزینه عروسی را او پرداخت می کرد و مهریه را قبول می کرد و متعهد می شد. بنابراین اگر او عقد ازدواج و زوجیت را بر هم می زد به ضرر خود اقدام می کرد.

انتقادات، به این حق و اختیار مرد در طلاق زمانی بیش تر شد که مردان به جهت نبودن موانع قانونی و با بوالهوسی و غلبه احساسات بدون توجه به آثار بد و منفی طلاق در جامعه و در خانواده از این حق و اختیار استفاده کردند و در واقع سوءاستفاده می نمودند و به تعداد طلاق روز به روز افزوده می شد. از طرف دیگر صاحبان محاضر و یا سردفتران دفتر طلاق بدون هیچ احساس مسئولیتی و صرفاً برای رسیدن به حق ثبت خویش به اجرای هر صیغه ی طلاقی و ثبت آن اقدام می کردند. بنابراین انتقادات وارد بود و نهایتاً به تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵ منجر گردید.

اما به نظر نگارنده حتی در حاکمیت ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی ایران که بیان می کرد «مرد می تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد » طلاق فقط در اختیار مردان نبود و یا حداقل زنان هم اختیار داشتند برای

به جهت پذیرش اصل طلاق در اسلام و ضروری بودن آن، در قانون مدنی ایران نیز احکام طلاق در فصل دوم کتاب هفتم آن مورد بحث واقع شده است و در ماده ۱۱۳۳ آن قانون آمده بود : «مرد می تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد، از این ماده این چنین استنباط می شود که مردان در دادن طلاق اختیار کامل دارند و به این جهت هم امروزه این امر مورد اعتراض و انتقاد بعضی از جمله بانوان ایرانی قرار گرفته است که چرا برای مردان این اختیار داده شده و زنان دست بسته تسلیم آنان شده اند؟!»

هدف از نگارش این مقاله آن است که نشان داده شود اولاً مردان در طلاق اختیار کامل ندارند و هر وقت بخواهند نمی توانند زن خود را طلاق دهند و این مفهوم اکنون تعدیل شده است، چنانچه ماده مذکور در اصلاحیه ۱۳۸۱/۸/۱۹ قانون مدنی به صورت ذیل درآمده است : مرد می تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید . ثانیاً زنان هم اختیار دارند که برای گرفتن طلاق به دادگاه مراجعه نمایند.(تبصره الحاقی ۱۳۸۱/۸/۱۹ به ماده(۱۱۳۳ ق.م)

برای بیان این مطلب از تغییرات مقررات قانونی که خود ناشی از واقعیات اجتماعی و خواسته های مردم جامعه است کمک گرفته شده است که به ترتیب اشاره می شود:

## طلاق در قانون مدنی ایران

همانطور که گفته شد قانون مدنی ایران ملهم از فقه شیعه اصل طلاق را به عنوان یک مسئله و ضرورت اجتماعی پذیرفته است و در کتاب هفتم در کنار بیان احکام نکاح، موضوعات مربوط به طلاق را مطرح و در قالب مواد قانونی از ماده ۱۱۳۳ لغایت ۱۱۵۷ احکام آن را آورده است.

از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد. طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد به میزان مهر نباشد.

به آنها برای صدور گواهی عدم امکان سازش به دادگاه مراجعه نمایند احصاء کرده است و در چهارده مورد آنها را بیان نموده است. در ماده ۱۰ این قانون اجرای صیغه ی طلاق و ثبت آن منوط به رسیدگی و صدور گواهی عدم امکان سازش از آن شده است. در این قانون برای طرفین عقد و عاقد که بدون تحصیل گواهی عدم امکان سازش مبادرت به طلاق نماید حبس از شش ماه تا یک سال تعیین شده است. در واقع این قانون راه بسیاری از سوءاستفاده ها را که در اجرای قانون مدنی ایران انجام می گرفت بسته است. اولاً اختیار مطلق را در دادن طلاق از مرد گرفته و او را مجبور کرده است که برای استفاده از اختیار خود به دادگاه مراجعه و گواهی عدم امکان سازش دریافت کند و سپس به دفتر طلاق برای اجرای صیغه ی طلاق و ثبت آن مراجعه نماید. ثانیاً صراحتاً در مواردی هم به زن اجازه داده است که برای گرفتن گواهی عدم امکان سازش او هم به دادگاه مراجعه کند. ثالثاً مقررات جدیدی را در حفظ کيان خانواده و صیانت از آن وضع نموده است.

مواردی که زن به موجب قانون می توانست برای گرفتن گواهی عدم امکان سازش به دادگاه مراجعه کند عبارت اند از:

۱- استنکاف شوهر از دادن نفقه زن و عدم امکان الزام او به تأدیه نفقه همچنین در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه ی زن را وفا نکند و اجبار او به ایفاد هم ممکن نباشد. این مورد در ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی هم آمده بود.

۲- توافق زوجین برای طلاق .

گرفتن طلاق به دادگاه مراجعه کنند و با واسطه و با حکم دادگاه از مرد خود جدا شوند. دلیل بر ادعا این است که قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۴۵ خود از طلاق خُلَع و مبارات صحبت کرده است و در موارد ۱۱۴۶ و ۱۱۴۷ طلاق خُلَع و مبارات را تعریف کرده است. در هر دو این طلاق ها به زن اجازه داده شده است با بذل و چشم پوشی از مهریه خود، یا بخشی از آن یا حتی مالی زائد بر مهریه در طلاق خُلَع از مرد خود طلاق بگیرد.

یعنی همانگونه که مرد می توانست با چشم پوشی از مخارج، هزینه ها و هدایای خود زن را طلاق دهد. به زن هم اجازه داده شده است که در صورت کراهت داشتن از شوهرش با چشم پوشی از مال خود، مقدمات جدایی خود را فراهم سازد و به طلاق خُلَع و یا مبارات عقد نکاح را بر هم زند.

بنابراین در قانون مدنی ایران مردان و زنان هر دو در طلاق صاحب اختیار بوده و هستند. این انتقاد که مردان در دادن طلاق اختیار دارند ولی زنان در گرفتن آن بی اختیار هستند وارد نمی باشد. این اختیار برای هر دو در قانون مدنی ایران وجود دارد فقط در شرایط استفاده از آن اختلاف است.

## طلاق در قانون حمایت خانواده مصوب

۱۳۵۳

قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۵۳ به تصویب رسید. این قانون ضمن بیان و توضیح دعای خانوادگی در پاسخ به انتقادات مطروحه در مورد طلاق، در ماده ۸ خود به روشنی مواردی را که زن یا شوهر حسب مورد می توانستند با استناد

خلع: در ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی ایران، طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می دهد طلاق بگیرد اعم

و جامعه از آثار سوء آن محفوظ و مصون باشند. در این قانون برای اولین بار از گواهی عدم امکان سازش استفاده شده بود همچنین در ماده ۲۱ آن قانون آمده بود که مدت اعتبار گواهی عدم سازش سه ماه از تاریخ صدور است در صورتی که ظرف این مدت گواهی مزبور به دفتر طلاق تسلیم نمی شد از درجه اعتبار ساقط می گشت و این هم به خاطر این بود که زوجین در هر زمان نتوانند از آن استفاده کنند و اگر احیاناً بعد از صدور آن، رجوع انجام می شد به تشدید و تثبیت و تشکیل خانواده و زندگی مشترک بیانجامد و هیچ یک از زوجین نتوانند آن گواهی را به عنوان حربه در دست خود نگه دارد.

ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی ایران: هر گاه شخص چهار سال تمام غایب باشد زن می تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ حاکم او را طلاق می دهد.

## طلاق در قانون اصلاح مقررات مربوط

### به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸

این قانون به صورت یک ماده واحده از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. این قانون ضمن تأکید به این مطلب که طلاق باید با رسیدگی دادگاه صورت گیرد بیشتر به حقوق زنان توجه داشت و تأکید می کرد که حقوق زن از جمله مهریه، نفقه، جهیزه به صورت نقد قبل از اجرای سیغه ی طلاق و ثبت آن در دفاتر طلاق پرداخت شود. در این قانون در زمانی که طلاق به درخواست زوج انجام می گیرد و زوجه در دادن طلاق مقصر نبود برای زن نخله(بخشش) و اجرت المثل در نظر گرفته شده است تا در صورت مطالبه ی زن در مورد کارهایی که شرعاً به عهده ی او نبوده ولی به دستور زوج با عدم قصد تبرع در منزل او انجام داده بود مبلغی به عنوان اجرت المثل یا نخله در نظر بگیرد.

۳- سوء رفتار و یا سوء معاشرت هر یک از زوجین به حدی که ادامه ی زندگی را برای طرف دیگر غیر قابل تحمل نماید.

۴- ابتلاء زوجین به امراض صعب العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد.

۵- محکومیت شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود.

۶- ابتلاء به هر گونه اعتیاد مضر که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه زندگی زناشویی را غیر ممکن سازد.

۷- هرگاه زوج همسر دیگری اختیار کند یا نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید.

۸- ترک زندگی خانوادگی به وسیله ی زوج.

۹- عقیم بودن زوج.

۱۰- مفقودالاثربودن با رعایت ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی ایران.

ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۵۳: مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش سه ماه از تاریخ صدور است در صورتی که ظرف این مدت گواهی مذکور به دفتر طلاق تسلیم نشود از درجه ی اعتبار ساقط است دفاتر طلاق پس از ارائه گواهی عدم امکان سازش از ناحیه هر یک از زوجین به طرف دیگر اخطار می نماید ظرف مهلتی که از یک ماه تجاوز ننماید برای اجرای سیغه ی طلاق و ثبت آن حاضر شود در صورتی که ظرف مدت مقرر حاضر نشود دفتر طلاق موظف است حسب تقاضای یکی از طرفین سیغه ی طلاق را جاری و ثبت نماید.

همان طور که بیان شد هدف از تصویب قانون حمایت خانواده این بود که طلاق کاملاً در اختیار مرد نباشد و بعد از رسیدگی دادگاه صورت گیرد تا خانواده ها

ماه از تاریخ ابلاغ به دفتر ثبت طلاق تسلیم نشود از اعتبار ساقط خواهد بود.»

این قانون علاوه بر موارد مذکور نظم و ترتیب دیگری به مقررات طلاق داده است و تکلیف را در زمانی که گواهی عدم امکان سازش در مهلت قانونی به دفتر طلاق تسلیم می شود ولی یکی از زوجین از حضور در دفتر و اجرای صیغه ی طلاق و ثبت آن امتناع می نماید روشن کرده است.

## طلاق در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۹

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مشتمل بر ۵۸ ماده و ۲۲ تبصره می باشد و در ماده ۵۸ آن بعضی از قوانین سابق از جمله قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۲۱ به جز بند(ب) آن و نیز قانون تفسیر تبصره های ۳ و ۶ قانون مذکور مصوب ۱۳۷۲/۶/۳ به صورت صریح نسخ شده است.

بند(ب) تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق بیان می کند:

در غیر مورد بند(الف) با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه ی شوهر انجام داده و وسع مالی زوج، دادگاه مبلغی از باب بخشش(نحله) برای زوجه تعیین می نماید.

در بند(الف) تبصره ۶ آمده است که چنانچه زوجه کارهایی را که شرعا به عهده ی وی نبوده به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می نماید.

در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ فصل چهارم شامل مواد ۲۴ تا ۳۹ مقررات طلاق را بیان می کند. در

در صدر این ماده واحده آمده است: «از تاریخ تصویب این قانون زوج هایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه ی دعوا کنند...»

همچنین در ماده ۱ آیین نامه اجرای تبصره یک آن ماده واحده آمده است: «نسبت به درخواست های طلاق که از طرف زوجین یا یکی از آنها به دادگاه مدنی خاص تسلیم می شود چنانچه اختلاف فی ما بین از طریق دادگاه حل و فصل نگردید رسیدگی به موضوع با صدور قرار به داوری ارجاع می گردد...»

کلمات «زوج ها» و «زوجین» در ماده واحده و در آیین نامه نشان می دهد که هم مردان و هم زنان حق مراجعه به دادگاه برای طلاق و جدایی را دارند.

## طلاق در قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش مصوب ۱۳۷۶ آبان

وقتی ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق در سال ۱۳۷۱ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید تصور این بود که قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ منسوخ شده است.

در این صورت گواهی عدم امکان سازش که از دادگاه صادر می شد بدون مهلت و مدت فرض می شد و زوجین از این مسئله سوءاستفاده می کردند و هر وقت می توانستند آن را ارائه و از مزایای آن استفاده کنند لذا برای جلوگیری از این سوءاستفاده، قانون مارالذکر تصویب شد و برای گواهی عدم امکان سازش سه ماه مهلت تعیین کرد. در صدر ماده آمده است:

« گواهی صادره از مراجع قضایی در خصوص عدم امکان سازش بین زن و شوهر، چنانچه ظرف مدت سه



تبصره: عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد:

۱- ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه.

۲- اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلاء وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای اعتیاد لازم بوده است.

۳- محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیش تر.

۴- ضرب و شتم یا هرگونه سوءرفتار مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد.

۵- ابتلاء زوج به بیماری صعب‌العلاج روانی یا ساری یا هر عارضه صعب‌العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید.

موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر نماید.

ماده ۲۵ به طلاق توافقی به تقاضای طرفین پرداخته است و در این مورد دادگاه را مکلف کرده است که موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد، تا شاید زوجین از طلاق انصراف دهند در صورت عدم انصراف متقاضی از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را با مشخص کردن موارد توافق جهت اتخاذ تصمیم نهایی به دادگاه منعکس می‌کند. در ماده ۲۶ قانون، طلاق به درخواست زوج و طلاق به درخواست زوجه پیش‌بینی شده است.

اگر دادگاه به درخواست زوج باشد دادگاه پس از رسیدگی و قبول درخواست گواهی عدم امکان سازش صادر می‌کند و اگر طلاق به درخواست زوجه باشد حکم الزام زوج را به طلاق صادر می‌نماید. در این دو طلاق دادگاه مکلف شده است که موضوع را به داور ارجاع کند.

ملاحظه می‌شود که در قانون حمایت خانواده جدید هم طلاق در اختیار مرد نمی‌باشد، او باید برای دادن طلاق به دادگاه مراجعه کند و به زن هم اختیار داده شده است که از دادگاه درخواست طلاق نماید. مرد در درخواست طلاق خود باید حقوق مالی زوجه را پرداخت کند، براساس ماده ۲۹ قانون مذکور ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است. زن در درخواست طلاق خود باید عسر و حرج خود را در منزل شوهر به اثبات برساند.

در مورد عسر و حرج در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی آمده است:

در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد و می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود. دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوج به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

## نتیجه

برخلاف تصور عموم، امروزه اختیار مرد در طلاق مطلق نیست، او برای طلاق دادن زن خود باید به دادگاه صالح (دادگاه خانواده) مراجعه کند و حقوق مالی زوجه خود را پرداخت کند و یا با او در این مورد به توافق برسد. برای زن هم این اجازه و اختیار وجود دارد که تحت شرایطی از دادگاه درخواست طلاق نماید به عبارت دیگر امروزه طلاق به سه صورت انجام می پذیرد:

۱ - به درخواست زوجین (طلاق توافقی)

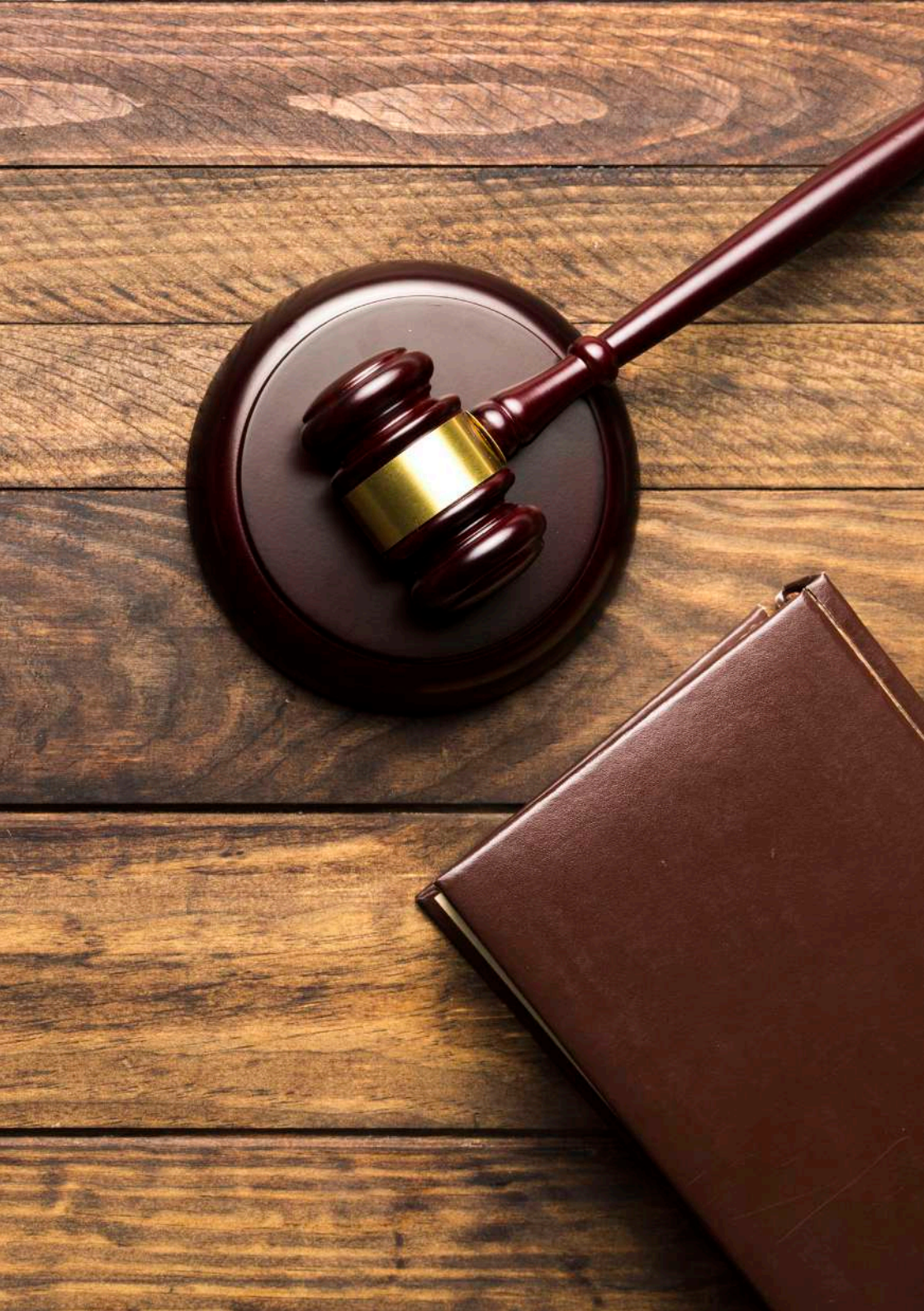
۲ - به درخواست زوج

۳ - به درخواست زوجه

و این درخواست ها با تنظیم دادخواست در دادگاه انجام می پذیرد و دادگاه با احراز شرایط قانونی در دو مورد اول گواهی عدم امکان سازش صادر می کند و در مورد سوم حکم به الزام زوج به طلاق را صادر می نماید.

## منابع

- ۱- قانون مدنی ایران.
- ۲- قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ .
- ۳- قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ .
- ۴- دانشنامه و ترمینولوژی حقوق ، جعفری لنده محمد جعفر، انتشارات گنج دانش .



## علم و دانش

علم و ثواب دانش، نجوای عالمان است

مشق و کتاب و دفتر دنیای عالمان است

جوئیای علم و دانش حقا به خود بنازد

لذت زرنج دانش رویای عالمان است

در چشمه زلال است مغروق علم و دانش

بحر حیات انسان احصای عالمان است

مصدق آن کلام پیغمبر توانا

تا گور نور دانش، سینای عالمان است

از باقیات صالح بهتر از این نباشد

شاگرد نیک و دانا فردای عالمان است

از جایگاه علمی این را فقط بگویم

خالی زهر غروری تقوای عالمان است

عشق است می‌نگارد هر واژه‌واژه از علم

این شعر قطره‌ای از دریای عالمان است

بر کامیار از این شعر، شد بهر عشق و مستی

این جام یادگار زیبایی عالمان است

بخش دوم

# یادداشتهای دانشجویی

## ◆ تفهیم اتهام

مهرداد عباس نژاد

دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه پیام نور تهران

## ◆ « جدول حقوقی »

طراح جدول: امیر رضا شجاعی

(دانشجوی رشته حقوق دانشگاه محقق اردبیلی)

## ◆ دادگاه عالی انتظامی قضات

مهرداد عباس نژاد

دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه پیام نور تهران

## تفهیم اتهام

مهرزاد عباس‌نژاد

دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه پیام‌نور تهران



می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود.» بعد از تفهیم اتهام است که شخص مظنون یا مشتکی‌عنه، تبدیل به متهم می‌شود. همچنان که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، واژه «متهم» از ماده ۶۱ به بعد که بحث تأیید اتهام را مطرح می‌کند، استفاده شده است.

بند یک ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص تفهیم اتهام مقرر کرده است «بعد از گذشت مدت زمانی متعارف از تسلیم شخص به دیوان یا حضور داوطلبانه وی در دیوان، شعبه مقدماتی موظف است جلسه‌ای را به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آنها را تقاضا کرده است، تشکیل دهد.

قسمت مهم و پر ارزش تحقیقات مقدماتی «تفهیم اتهام» است. بدین معنا که حق مسلم متهم است که بداند مرتکب کدام عمل مجرمانه شده است.

تفهیم اتهام عبارت است از اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت حاضر هر متهم، برای او قابل درک باشد. تفهیم اتهام یکی از اصول مسلم آیین دادرسی کیفری است و علاوه بر بیان صریح آن در ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق مصوب سال ۱۳۷۸ و مواد ۱۹۳ تا ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب سال ۱۳۹۲ در قانون اساسی ایران هم به صراحت مورد پیش‌بینی و تأکید قرار گرفته است. اصل ۳۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین

## شیوه تفهیم اتهام

به موجب ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق سال ۱۳۷۸ و مواد ۱۹۳ و ۱۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب سال ۱۳۹۲، مقام قضایی ابتدا هویت و مشخصات دقیق متهم و آدرس دقیق پستی او را سؤال و در صورت مجلس قید می‌کند و به متهم تذکر می‌دهد که در صورت کتمان حقیقت و اعلام آدرس واهی، احضاریه به همان محل ارسال می‌شود بنابراین باید مواظب اظهارات خود باشد.

شایان ذکر است که استعلام آدرس دقیق متهم باعث می‌شود که اوراق احضاریه سریع‌تر ابلاغ شوند و این موضوع مانع از اطاله تحقیقات می‌شود سپس مقام قضایی باید اتهام و دلایل اقامه‌شده را به‌طور صریح به متهم، تفهیم کند و آنگاه تحقیقات را ادامه می‌دهد.

توضیح آنکه در تفهیم اتهام ذکر کلی مصادیق قانونی جرم انتسابی صحیح نیست بلکه مقام قضایی باید جرایم ادعایی را به تفکیک تشریح کند همچنین دلایل ارایه‌شده و سایر مستندات یا شهود معرفی‌شده یا محل تحقیقات محلی (در صورت تحقیق محلی) یا نوع وسایل کشف‌شده را به‌طور کامل به متهم معرفی کند تا متهم بتواند از خود دفاع کند. در تفهیم اتهام سؤالات باید صریح، کوتاه، مفید، روشن و مرتبط با موضوع باشد و سؤالات تلقینی (یعنی کسی را وادار به گفتن کلامی کردن) و اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع کند، امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود البته قانون آیین دادرسی کیفری، به صراحت یا حتی ضمنی اعلام نکرده است که این سکوت متهم را باید به عنوان دلیلی علیه آن یا له آن تلقی کرد.

جلسه مذکور با رعایت شرایط مقرر در بند ۲، با حضور دادستان و «متهم» و نیز وکیل وی تشکیل خواهد شد.

## ضرورت تفهیم اتهام

مقام قضایی امر تحقیق مقدماتی باید به جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم بپردازد و زمینه اجرای عدالت بین اصحاب دعوا را فراهم کند بنابراین فرد احضار شده که از طرف شاکی، ادعایی علیه او ارایه شده است، با توجه به اصل براءت، باید فرصت کافی برای ارایه دفاعیات خود داشته باشد.

تفهیم اتهام از آن جهت ضروری است که از یکسو امکان رد اتهام یا اتهامات منتسب را برای متهم فراهم می‌سازد و تضمینات ناظر به حقوق دفاعی و جنبه عملی به خود گرفته و آغاز می‌شود و از سوی دیگر قاضی تحقیق را مجاز می‌کند که به اقدامات ضروری و از جمله اصدار قرارهای تأمینی متوسل شود.

اهمیت تفهیم اتهام چنان است که اگر متهم در یک روز و چه در روزهای متعدد مورد بازجویی قرار گیرد در هر مرحله باید به وی تفهیم اتهام شود.

به نظر می‌رسد طبق اصول و قواعد حاکم بر آیین دادرسی کیفری، یکی از بدیهی‌ترین حقوق متهم، علم و آگاهی وی از اتهام انتسابی است و رعایت این حق مستلزم تفهیم اتهام با تمام دلایل اقامه‌شده است و بدون رعایت این حق دفاعی متهم، می‌توان گفت که علاوه بر محرز بودن تقصیر مقام قضایی امر تحقیق، ادامه تحقیقات محکوم به ابطال و فاقد اثر قانونی است. به عنوان مثال، بعد از تفهیم اتهام و نبودن دلایل کافی علیه متهم، صدور قرار تأمین کیفری و جاهت قانونی ندارد.

طبق بند ۲ ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، «در صورتی که متهم حق حضور خود را ساقط کرده باشد، یا فرار کرده و همه اقدامات در جهت حضورش در دیوان و اطلاع از اتهامات انتسابی بی‌نتیجه مانده باشد در آن صورت شعبه مقدماتی رأساً یا به تقاضای دادستان جلسه‌ای را در غیاب متهم جهت تفهیم اتهام تشکیل خواهد داد. همچنین در صورتی که شعبه مقدماتی حضور وکیل را در راستای اجرای عدالت بداند، وکیل به نمایندگی از متهم در جلسه حاضر می‌شود».

پیش‌بینی تفهیم اتهام غیابی در دیوان که تحت شرایط ذکر شده است، شاید برای حفظ جایگاه دیوان مثرر باشد؛ مثلاً متهمی که بنا به دلایل سیاسی یا عدم اعتقاد به کار دیوان، حق حضور خود در هنگام تفهیم اتهام را ساقط کرده باشد، اما به نظر می‌رسد چنین راهکارهایی در حقوق ملی کشورها مفید فایده نیست. در سیستم قضایی کشور ما و در مجموعه قوانین دادرسی کیفری چنین شرطی مبنی بر «تفهیم اتهام غیابی» پیش‌بینی نشده و مسکوت مانده است چرا که اگر در دیوان چنین شرطی وجود دارد، رویه معمول آن است که وکیل به نمایندگی از شخص متهم حضور پیدا می‌کند.

در حالی که در سیستم قضایی کشور ایران تحقیقات مقدماتی غیرترافعی است. به هر حال تفهیم اتهام در قوانین دادرسی کیفری ایران از آنچنان اهمیتی برخوردار است که نادیده گرفتن آن موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالاست.

بر اساس بند ۳ ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در مدت متعارفی قبل از جلسه، شخص باید یک نسخه از مدارکی را که شامل اتهاماتی است که دادستان (مقام قضایی امر تحقیق) بر اساس آن، رسیدگی به آنها و محاکمه شخص را تقاضا کرده است، دریافت کند همچنین از ادله‌ای که مورد استناد دادستان در جلسه قرار خواهد گرفت، مطلع شود.

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان قبل از جلسه تفهیم اتهام به تحقیقات خود ادامه داده و نیز می‌تواند اتهامات را اصلاح کرده یا مسترد کند؛ و در صورت هرگونه اصلاح یا استرداد باید متهم را نسبت به دلایل آگاه کند.

به گزارش سازمان قضایی نیروهای مسلح، در قوانین دادرسی کیفری ایران بحثی از اصلاح یا استرداد دلایل اتهامی وجود ندارد و شاید این به دلیل خصوصیت غیرترافعی تحقیقات مقدماتی است.

در سیستم قضایی کشور ما متهم در مرحله تفهیم اتهام فقط به سؤالات پاسخ می‌دهد و ظاهر امر نشان می‌دهد که متهم حق دخالت در تحقیقات مقدماتی را ندارد اما این امر خالی از ایراد نیست زیرا در این مرحله هم نحوه اطلاع متهم از محتوای پرونده در حاله‌ای از ابهام است و هم وی از حضور مؤثر وکیل بی‌بهره است که این مسایل مغایر با اصل تساوی سلاح‌ها و از جمله تضمینات مهم تحقیقات و محاکمه منصفانه است.

## آیا تفهیم اتهام غیابی امکانپذیر است؟

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، تفهیم اتهام دارای آن چنان اهمیتی است که حتی تحت شرایطی که در ماده ۶۱ آن ذکر شده، امکان تفهیم اتهام غیابی هم وجود دارد.



## « جدول حقوقی »

	۵	۴	۳	۲	۱	
۱						
۲						
۳						
۴						
۵						

## عمودی

## افقی

- ۱- شازدهم کدام ماه روز دانشجو است؟
- ۲- در حقوق مدنی به خرید و فروش می‌گویند؟
- ۳- خاکستر
- ۴- به صورت برعکس بخوانید: از انواع مجازات‌ها که شرع تعیین می‌کند. به ترتیب آخرین و اولین حرف از الفبا
- ۵- مالی که کسی به دیگری می‌بخشد.
- ۱- در حقوق تجارت به حصه گفته می‌شود؟
- ۲- دوستدار
- ۳- گناهی که به جنگ با خدا معروف است؟
- ۴- پیشه‌ور کسی است که کار ... انجام می‌دهد.
- ۵- همراه - طمع

طراح جدول: امیررضا شجاعی (دانشجوی رشته حقوق دانشگاه محقق اردبیلی)

## دادگاه عالی انتظامی قضات

مهرزاد عباس‌نژاد

دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه پیام‌نور تهران



رئیس شعبه اول این دادگاه، رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات به شمار می‌رود (ماده ۳۴ همان قانون) که باید مجتهد جامع‌الشرایط باشد (ماده ۳ قانون مسئولیت قوه قضائیه مصوب ۱۳۶۶).

این قضات را مگر موارد مشمول اصل ۱۶۴ قانون اساسی، نمی‌توان بدون تمایل آنها تغییر داد. روسای شعب دادگاه عالی انتظامی قضات در بالاترین گروه شغلی و مستشاران و اعضای معاون این دادگاه به ترتیب در یک گروه پایین‌تر قرار می‌گیرند (ماده ۵ قانون نحوه نظارت بر رفتار قضات و تبصره آن).

دادگاه عالی انتظامی قضات در تهران تشکیل می‌شود و شمار شعب آن به تشخیص رئیس قوه قضائیه واگذار شده است. هر شعبه از این دادگاه دارای سه عضو یعنی یک رئیس و دو مستشار است و به اندازه کافی عضو معاون دارد که در غیاب هریک از اعضا به دستور رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات، وظیفه وی را انجام می‌دهد (ماده ۴ قانون مذکور و تبصره آن).

رئیس و مستشاران و عضوهای معاون دادگاه یاد شده از بین قضات دارای بالاترین پایه قضایی از سوی رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند و باید دارای دست‌کم، ۲۵ سال سابقه کار قضایی باشند و در ده سال اخیر خدمت قضایی خود محکومیت انتظامی درجه سه یعنی کسر حقوق ماهانه تا یک سوم، از یک ماه تا شش ماه و بالاتر نداشته باشند (ماده ۵ قانون مذکور).

## صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات

### در پیوند با کارشناسان:

رسیدگی به تخلفات اعضای دادگاه و دادستان انتظامی کانون کارشناسان رسمی (با ارجاع رئیس قوه قضائیه یا دادستان کل کشور) در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات است.

رسیدگی به تخلف بعضی از اعضای هیئت های حل اختلاف مالیاتی:

دادگاه عالی انتظامی قضات در صورتی صلاحیت رسیدگی به تخلفات عضو هیئت های حل اختلاف مالیاتی را دارد که عضو تحت پیگرد، قاضی شاغل و یا نماینده وزارت امور اقتصاد و دارایی باشد. در حقیقت، چنانچه عضو متخلف هیئت، قاضی بازنشسته باشد و همچنین در خصوص نمایندگانی مانند نماینده تشکل های صنفی، کانون وکلا و... به موجب ماده ۲۶۹ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶، تخلف با اعلام دادستان انتظامی مالیاتی، در محاکم دادگستری رسیدگی می شود.

صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات را می توان به چهار دسته بخش نمود:

### در پیوند با دارندگان پایه های قضایی:

رسیدگی به تخلفات و تقصیرات دارندگان پایه های قضایی، در هر مرتبه و مقامی که باشند، با کیفرخواست دادستان انتظامی قضات؛ رسیدگی به درخواست تعلیق دارنده پایه قضایی که مظنون به ارتکاب جرم باشد (به درخواست دادستان انتظامی قضات)؛ رسیدگی به ادعا تقصیر یا اشتباه قاضی (موضوع اصل ۱۷۱ قانون اساسی) و غیره در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات است.

همچنین چنانچه حکم قطعی یا قطعیت یافته بر محکومیت به مجازات انتظامی درجه پنج به بالا از دادگاه عالی صادر شده باشد و یکی از جهات اعاده دادرسی وجود داشته باشد محکوم علیه می تواند از همین دادگاه درخواست اعاده دادرسی نماید. در صورت تجویز اعاده دادرسی، به ماهیت درخواست اعاده دادرسی در همین دادگاه رسیدگی می شود (ماده ۳۷ قانون مذکور). افزون بر آن به ادعای تقصیر یا اشتباه قاضی در همین دادگاه رسیدگی می شود.

### در پیوند با وکلای دادگستری:

رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت مدیره و اعضای دادگاه های انتظامی و دادستان و دادیاران انتظامی وکلا (با ارجاع رئیس قوه قضائیه یا دادستان کل کشور)؛ تجدیدنظر نسبت به آرای قابل تجدیدنظر صادره از دادگاه انتظامی وکلا؛ رسیدگی به شکایت متقاضیان پروانه وکالت یا کارآموزی وکالت نسبت به تصمیم کانون وکلا مبنی بر رد درخواست صدور پروانه و غیره نیز در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات است.



فصلنامه حقوقی

# میزان

مفاد اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی مبنی بر اینکه «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد» اشاره به قانون در معنی خاص می‌باشد. همچنین اصل پنجاه و نهم که ناظر بر قانونگذاری در مسائل بسیار مهم می‌باشد اعمال قوه مقننه (وضع قانون) از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم را تجویز نموده است اصل صد و هشتم نیز قانون خاص راجع به تعداد و شرایط خبرگان و کیفیت انتخاب آنها را لحاظ مینماید و ضمناً تغییر و تجدید نظر در قانون مزبور را در صلاحیت مجلس خبرگان میداند. صلاحیت عادی قانونگذاری تعلق به مجلس شورای اسلامی دارد (اصل هفتاد و یکم) و صلاحیت استثنائی و خاص مربوط به همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم، فقها شورای نگهبان و مجلس خبرگان می‌باشد.